



بازی مرکب: هجویه‌ای بر قرارداد اجتماعی

مهدی هداوند^۱
حسین خالق پرست^۲

چکیده

مجموعه‌نمایشی «بازی مرکب» با نگاهی شرق به غرب، سعی در توصیف بخشی از انگاره‌هایی دارد که حقوق‌دانان با آن مواجهند؛ از جمله آن‌که به نقد نظام سرمایه‌داری می‌پردازد که اتفاق جدیدی محسوب نمی‌شود، زیرا پس از استقرار جهانی آن نظام، بسیاری آثار مکتوب و نمایشی نقادانه تولید شده است. اما توجه به دو نکته در حوزه حقوق عمومی بر جذابیت موضوع می‌افزاید؛ اول آن‌که: نقد ولو بنیادین، در بستر همان نظام سرمایه‌داری شکل گرفته و در مقیاس جهانی عرضه می‌شود؛ رویه‌ای که در میان دیگر ایدئولوژی‌های قرن ۲۱ که پیروان معتقدی نیز دارند و بر تسامح و تساهل با منتقدان و مخالفان خود به‌عنوان رکنی اصلی تأکید می‌کنند، دیده نمی‌شود. دوم آن‌که قرارداد اجتماعی به‌عنوان مفهومی مقدس که نظام حقوقی سیاسی نوین بر آن پایه‌گذاری می‌شود، به چالش کشیده شده است. به‌صراحت و از میان مراحل مختلف بازی نشان می‌دهد که قرارداد اجتماعی ولو آن‌که براساس تراضی و آزادی اراده به‌صورت شکلی منعقد گردد، نمی‌تواند لزوماً تضمین‌کننده هر نوع محتوای اخلاقی و یا مبتنی بر عدالت اجتماعی باشد و شهروندان می‌بایست آگاهانه نسبت به انتخاب مفهومی دربردارنده حقوق بشر و آزادی‌های عمومی همت گمارند. بدیهی است رویکرد نام‌برده نیز با چالش‌هایی هستی‌شناسانه و کاربردی در آینده مواجه خواهد شد؛ اما مواجهه یادشده از اهمیت تعیین محتوایی در راستای ارتقای عدالت اجتماعی توسط شهروندان، حین پذیرش قرارداد اجتماعی نمی‌کاهد.

۱. نویسنده مسئول) استادیار، عضو هیئت‌علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه

طباطبائی؛ Mehdihadavand@gmail.com

۲. دکتری حقوق عمومی، مدرس دانشگاه و قاضی دادگستری؛ khaleghparast@yahoo.com

کلیدواژگان: بازی مرکب، سرمایه‌داری، قرارداد اجتماعی، تراضی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی.

مقدمه

بازی (برن، ۱۳۷۳: ص ۲۰-۳۸) مرکب، مجموعه‌ای نمایشی - داستانی از گونهٔ بقاء است. این مجموعه در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ توسط نت‌فلیکس در سطح جهانی منتشر شد و تحسین بسیاری را به دنبال داشت. در هفته اول نمایش، به یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های نت‌فلیکس در نود کشور تبدیل شد و ۲۸ روز پس از انتشار با بیش از ۱۱۱ میلیون بیننده رکورددار شد. تمرکز اصلی داستان، انتقاد کاملاً آشکار از جامعهٔ سرمایه‌داری رقابتی است. (هراری، ۱۳۹۸: ص ۵۰-۵۲) فقرا در بازی مرگ و زندگی به معنای واقعی کلمه، برای زنده ماندن رقابت می‌کنند و در انتها مشخص می‌شود که تمامی بازی‌ها با هدف سرگرمی ثروتمندان است (نوعی قمار بر جان اشخاص). در عصر حاضر که بیش‌تر جوامع نگران بی‌عدالتی اجتماعی هستند و افراد بیش‌تری از این فضا سرخورده شده‌اند، جای تعجب ندارد که فیلمی با موضوع بی‌عدالتی اجتماعی با چنین استقبال کم‌نظیری مواجه شود؛ فارغ از نقد جدی این مجموعه نمایشی بر نظام سرمایه‌داری که بارها توسط منتقدان و مکاتب دیگر به کرات بیان شده، ابزار و شیوه بیان دارای اهمیت است؛ به نحوی که سرمایه‌داری قابلیت خود را در نقد خویش به شکلی کاملاً فراملی به رخ می‌کشد و موجب تولد چالشی جدید پیش‌اروی دیگر مکاتب رقیب خود می‌شود. (هراری، ۱۳۹۷: ص ۱۶۵) به بیان بهتر، با تولید و عرضه چنین اثر سینمایی ادعا دارد که می‌تواند نقد از خود را - هرچند بنیان‌گن - به‌عنوان یک کالا در نظام عرضه و تقاضا دوباره به مصرف‌کننده بفروشد.

به عبارت دیگر اگر این مجموعه سینمایی را دشنامی خطاب به نظام سرمایه‌داری و باز توزیع ناعادلانه ثروت در جهان بدانیم، همین دشنام توسط نظام سرمایه‌داری تبدیل به یک اثر نمایشی شده و از طریق یکی از بسترهای برخط شبکه نمایش خانگی که زادهٔ سرمایه‌داری

است، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تولید و عرضه کالای فرهنگی به همه طرفداران و منتقدان خود ارائه می‌دهد. این قابلیت نشان از آن دارد که نظام سرمایه‌داری بر اساس اعتماد به نفس حاصل از ساختارهای بالغ و مستقر خود در سراسر دنیا، توان نقدپذیری درونی را در قالب تولید انبوه دوباره در بازار به متقاضیان نقدش عرضه کرده و علاوه بر درآمدزایی به سود دست یابد. (بیکس، ۱۳۸۹: ص ۲۱۶)

مجموعه نمایشی نام‌برده، نتیجه بازی را کسب ثروت عنوان نموده و با بهره‌گیری از ظرافت‌های نمایشی و فن‌آوری سینمایی، عدالت توزیعی و معاوضی در تقسیم ثروت، به‌عنوان یکی از نمادهای مورد مناقشه در جوامع معاصر را به‌صورت جدی زیر سؤال می‌برد و در صدد اثبات این مدعاست که: چنان‌چه، شهروندان به‌واسطه انعقاد قرارداد اجتماعی (وینر، ۱۳۸۵: ص ۱۳۰) با دولت خواستار انتقال از وضعیت طبیعی به وضعیت مدنی هستند، می‌بایست فراتر از ظاهر قرارداد، نسبت به تعیین محتوایی که بتواند در نهایت هدف از ورود به چنین قراردادی را تأمین نماید، اقدام نمایند. (آقامحمد آقایی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۵؛ هم‌چنین ر.ک: راش، ۱۳۷۷: ص ۱۲۳) بنابراین چنین به نظر می‌رسد که می‌بایست مفاهیمی مورد انتخاب شهروندان قرار گیرد که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم متضمن حفظ «کرامت انسانی» ایشان باشد. (خالق‌پرست، ۱۴۰۰: ص ۴۸)

بازی مرکب: چالش قرارداد اجتماعی

در این مجموعه با ظرافت خاصی قرارداد اجتماعی به‌مثابه شکل و ظرف به نمایش درآمده و می‌تواند هر محتوایی داشته باشد؛ هرچند با ارزش‌های پایه حقوق عمومی ناسازگار باشد. (رحمت‌اللهی، ۱۴۰۰: ص ۲۶۶) انسان‌هایی بدهکار و سرخورده از نابه‌سامانی اجتماعی و ورشکسته، در مرز ناامیدی و انتحار، جامعه بدهکاران که حاضرند تقاص فقر و نداری خویش را با بدن‌شان پرداخت کنند و در قبال عدم پرداخت بدهی (تسویه حساب) ضرب سیلی را بر صورت خود تحمل کنند. در این کشاکش، بدن انسان موضوع سرمایه‌داری است و چرخ‌دنده‌های آن، بدن را خرد می‌کند. بدن به‌مثابه طرحی است استعاری از معامله جسم و روح با شیطان تا ساختار نظام سرمایه‌داری شکل بگیرد.

بازیکنان نیز با یک پیشنهاد خیلی جذاب مواجه می‌شوند که طی آن این احتمال وجود دارد برنده شوند؛ در بازی‌ای که فقط یک برنده دارد و در صورت بُرد، مبلغ هنگفتی پاداش می‌گیرد. ولی در مقابل بازیکنان زیادی هستند که هیچ‌گاه برنده نخواهند شد آن‌چه به قواعد بازی شکل می‌دهد، یک قرارداد اجتماعی است، انسان‌ها دهه‌هاست @ که وارد این بازی شده‌اند. به تعبیری نه‌چندان اغراق‌گونه: در دنیای فعلی، یک‌درصد از جمعیت دنیا صاحبان ۹۹ درصد از ثروت دنیا هستند؛ تلویحاً همان یک نفر برنده که طی تماشای داستان کنجکا

هستیم او را شناسایی کنیم. بازیکنان هنگام ورود با اراده آزاد و فارغ از هرگونه اکراه و اجبار و براساس رضایت شخصی به مثابه انسان‌های برابر بدون هرگونه تبعیض وارد بازی می‌شوند، این موارد دقیقاً همان صفات تحسین برانگیزی است که در حقوق عمومی احساس کاملاً مثبتی از پذیرش قرارداد اجتماعی در ما ایجاد می‌کند. اما پرسش اساسی آن است که: آیا این خودمختاری کافی است؟ پاسخ به وضوح منفی است.

در یک بررسی پیرامون محتوی قرارداد حقوق خصوصی نیز، دقیقاً همین بحث مطرح است. زیرا اکراه موجب عدم نفوذ قرارداد است، اما اضطرار چنین نیست. (موحد، ۱۳۹۷: ص ۳۴۰-۳۳۸) از این رو به نظر می‌رسد در چارچوب بازی مرکب، تمامی بازیکنان مضطر - و نه مکره - هستند. باید افزود که درحقیقت، مشکل اصلی همین تضاد بین شکل و صورت موجه قرارداد و محتوای اضطراری آن است، قراردادی مختصر و تحمیلی که بازیکنان ناگزیر از ورود به آن هستند، مانند آن چه امروز بر جوامع بشری تحمیل می‌شود.

در این چهارچوب، قرارداد سه بند اصلی دارد: اول آن که بعد از ورود، امکان خروج وجود ندارد. هابز در لویاتان نیز بر همین قاعده در قرارداد اجتماعی تأکید می‌کند. (آقامحمد آقایی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۵) در حالی که به تعبیر حقوق مدنی اصل بر لزوم قرارداد است و شخص نمی‌تواند یک‌جانبه از قرارداد خارج شود یا قرارداد را فسخ نماید. در باور هابز، محتوای قرارداد آن است که اشخاص در ازای تضمین حق حیات و امنیت‌شان از سوی حکومت قرارداد را می‌پذیرند، بنابراین تنها استثنائی که طی آن مجوز خروج را صادر می‌کند، شرایطی است که همان حکومت، شخص را پای چوبه دار می‌برد. استثنائی بی‌ارزش که درست لحظاتی پیش از سلب حیات بدان قائل می‌شوند. (هابز، ۱۳۸۵: ص ۱۶۸)

دومین بند این قرارداد، حذف بازیکنان، پس از باخت است، در حالی که هیچ‌یک از بازیکنان اطلاع ندارند که حذف از بازی مساوی با مرگ است. ابهام موجود در عبارت حذف، هیچ‌گاه پیش از بازی رفع نشده و پس از اتمام اولین بازی است که آن‌ها متوجه می‌شوند، بازنده‌ها توسط مجریان کشته می‌شوند، این اطلاع، به صورت طبیعی ترس و درخواست توقف بازی را با خود به همراه دارد و در این شرایط است که بازیکنان به سراغ بند سوم قرارداد که همان خواست اکثریت برای خروج از بازی است می‌روند و نتیجه مساوی در اتخاذ آراء نتیجه را منوط می‌کند به رأی پیرمردی که با وجود ناتوانی جسمی، گویا ذهن خلاق دارد و در ادامه مشخص می‌شود که از طراحان و مجریان اصلی بازی است و در واقع از طبقه برگزیده و ممتاز جامعه است و رأی نهایی (سرنوشت‌ساز) وی بازی را متوقف می‌کند. در همین مرحله است که مشخص می‌شود، نه تنها ورود به قرارداد دست‌کم ناشی از اضطرار است (نه اختیار) بلکه خروج از آن هم، بستگی به رأی تعیین‌کننده همان شخص یا اشخاصی از طبقه خاص اجتماعی دارد که بازیکنان را وارد بازی نموده است.

آن‌چه بر اهمیت این مرحله می‌افزاید، آن است که بازیکنان پس از فهم دقیق از مفهوم حذف و امکان خروج از بازی، دوباره پس از مدتی بر اثر اضطراب خود، ناگزیر می‌شوند، بازی را ادامه دهند. در این میان افزون‌بر هابز، دیگر قرارداد گرایان نیز، مانند لاک، به‌عنوان خوش‌بین به طبیعت بشر (جاوید، ۱۳۹۲: ص ۴۹) و روسو، به‌عنوان نظریه‌پرداز قرارداد اجتماعی (توحید فام، ۱۳۸۱: ص ۴) باور داشتند که تن دادن به قرارداد ما را از وضع طبیعی به وضع مدنی منتقل می‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که انتقال مذکور چه مزایایی برای افراد جامعه به همراه خواهد داشت؟

به تعبیر هابز، در وضع طبیعی انسان، گریز انسان است و حیات و امنیت بشری هر لحظه در اثر عواملی مانند بیماری و قحطی و ... در معرض نابودی است و پذیرش قرارداد اجتماعی، معنایی جز کسب مزایای زیست‌جمعی مانند امنیت و رفاه را به دنبال نخواهد داشت (وضع مدنی). (روسو، ۱۳۸۵: ص ۱۲۰) اما طی تماشای این مجموعه سینمایی با موقعیتی کاملاً متناقض مواجه هستیم که در آن بازیکنان با ورود به قرارداد مجبور به حذف رقبا هستند، گویی پیش از ورود به بازی از وضعیت طبیعی مناسب‌تری بهره‌مند بوده‌اند تا در وضع مدنی! در واقع تمثیلی است از آن‌که، لزوماً قرارداد اجتماعی به‌تنهایی، مجوزی برای ورود انسان به وضع مدنی نیست و خود می‌تواند فریبی بزرگ در راستای ورود جامعه به وضعیتی به مراتب بدتر از وضع طبیعی باشد، بدین معنا که انسان‌ها نه‌تنها در حالتی توحش‌گونه قرار می‌گیرند، بلکه گله‌ای از گرگان هم‌گروه تشکیل می‌دهند تا توان حمایت از یکدیگر را هم‌افزایی نمایند، به‌گونه‌ای که طی مراحل چندگانه بازی، فارغ از حذف یکدیگر در موقعیت‌های اندوه‌باری قرار می‌گیرند که حتی زوجی کاملاً مشتاق به یکدیگر، برای زنده ماندن راهی جز حذف دیگری ندارند.

به بیان ساده‌تر، طرف مقابل را پلکانی برای ورود خود به مرحله بعدی می‌بینند و برای بهره‌جستن از مواهب زندگی راهی جز رقابتی وحشیانه (قانون جنگل) که اتفاقاً در مراحل میانی بازی کاملاً بدان خو گرفته و عادت کرده‌اند، ندارند و این دقیقاً برخلاف فرمالیسم حقوقی است که مدعی است: در قرارداد اجتماعی تمامی ارکان از جمله ورود و خروج آزادانه در جای خود به خوبی رعایت می‌شود. اما در عمل شاهدیم که خروج فقط براساس نظام استبداد اکثریت به وقوع می‌پیوندد. سؤال اصلی چرایی اعمال چنین سازوکاری است؟ باوجود آن‌که هیچ‌گاه مجریان این قراردادها (طبقه ممتاز) از صورت قرارداد خارج نمی‌شوند و فرمالیسم حقوقی کاملاً رعایت می‌شود، اما در عمل وارد وضعیت مدنی (آرمان‌گرایانه) نمی‌شویم. به بیان دقیق‌تر، مجموعه نمایشی «بازی مرکب»، هجویه‌ای است بر قرارداد اجتماعی، مفهومی که جز بازتولید وضعیت طبیعی برای جوامع انسانی به ارمغان نمی‌آورد. شاید بتوان به جرأت

ادعا کرد که قرارداد اجتماعی در بوتۀ آزمایش منحرف شده است. آن چه به وضوح قابل مشاهده است عدم پذیرش تضادها و تناقضات مذکور توسط طبقه ممتاز است و حتی سعی در قلب واقعیت است؛ به نحوی که قهرمان بازی مرکب که اتفاقاً رفتارهای کاملاً غیراخلاقی و حتی ضد اخلاقی از خود بروز می دهد، به ناگاه تصمیم می گیرد که خودش هیچگاه از پول خون دیگر انسان ها، استفاده شخصی ننماید؛ در حالی که در بازی از ابتدا شرط شده که برندگان مالک ثروت بازندگان شوند و بازندگان هم چنان در فقر و تهی دستی و عدم زندگی نمایند، این پهلوان پروری از جمله شیطنت های سرمایه داری است. (لاگلین، ۱۳۸۸: ص ۱۱۰) که بدون پرداختن به ریشه های این بی عدالتی، راهکاری طنزگونه ناشی از رفتاری فرهیخته از برنده های که حتی دستش به خون نزدیک ترین دوست دوران کودکی اش آلوده است، ارائه می دهد.

بازی مرکب: آسیب شناسی قرارداد اجتماعی

ما چه بهره ای از این هجویه می بریم؟ آیا معنایش این است که ما قرارداد اجتماعی را کنار بگذاریم؟ و بازگشت به وضع طبیعی پیشا قراردادی نماییم؟ طبعاً پاسخ منفی است. هدف آن است که فقط تکرارکننده ادبیاتی نباشیم که طبقه ممتاز تولید کرده اند. تمرکز بر ثمره قرارداد اجتماعی می تواند راهگشا باشد - چنان چه بپذیریم - مهم ترین ثمره قرارداد اجتماعی رفاه بشر در تمامی ابعاد آن از جمله امنیت انسانی، بهداشت و آموزش عمومی و تأمین اجتماعی بوده و متعاقباً بحث از مردم سالاری و حقوق بشر به عنوان دستاوردی ارزشمند تلقی می شود؛ اما اولین نقطه ضعف جدی ساختار مذکور، توزیع ناعادلانه ثروت است و نقطه ضعف بعدی، طراحی و تحمیل سلايق، سبک زندگی و محصولات فرهنگی طبقه ممتاز بر دیگر طبقات فرودست است.

بنابراین می توان ادعا کرد تضمینی وجود ندارد که به صرف انعقاد قرارداد اجتماعی، بشر به مزایای وضعیت مدنی دست یابد. اصطلاح قرارداد اجتماعی در کنه خود به قرارداد تشکیل دهنده جامعه اشاره دارد، بنابراین پوفندرف قائل به سه قرارداد بود:

اول: قراردادی که جامعه را تشکیل می دهد. دوم: قراردادی که حکومت را تشکیل می دهد. سوم: قراردادی که حاکمان را تعیین می کند. (بهتر است بگوییم یک قرارداد با سه موضوع) چنان چه صرفاً به شکل قرارداد اجتماعی قناعت کنیم، بدان معناست که مفهوم «انسان، گرگ انسان است» را وارد قرارداد کنیم و قالب قانون به آن بدهیم و در نهایت به صورت قانونی همدیگر را قربانی می کنیم. در واقع بحث دولت قانونی و تفاوت آن با دولت حقوقی است. در دولت قانونی، ابزار سرکوب جامعه قانون است و این نشان می دهد که صرف وجود قانون لزوماً تضمین کننده حقوق و آزادی ها نیست، بلکه چو دزدی با چراغ آید

گزیده‌تر برد کالا! با این تفاوت که این دفعه خود، چراغ را به دستش داده‌ایم تا بشر را نابود کند. حاکمی که تا دیروز ابزارهای خشنی جهت سرکوبگری در اختیار داشت، امروز یک ابزار خوش‌دست به نام «قانون» در اختیار دارد.

بنابراین دولت قانونی، دولتی است که بر مبنای حاکمیت با ابزار قانون (فارغ از ماهیت قانون) عمل می‌کند، نه بر اساس حاکمیت قانون که قانون را ابزار کنترل حکومت می‌داند. چنان‌چه خواهیم بر اساس اصول حقوق عمومی، قرارداد اجتماعی، جوامع انسانی را از وضع طبیعی به وضع مدنی منتقل کند، گریزی نیست جز دقت در محتوای قراردادی که انسان‌ها با دولت منعقد می‌کنند، این محتوا می‌تواند مبتنی بر برد طبقه ممتاز و تمرکز ثروت و قدرت و منزلت در دست آن‌ها باشد و طبیعتاً باخت گروه زیادی از تهی‌دستان و یا مبتنی بر یک بازی برد. برد که بر اساس توزیع عادلانه ثروت و قدرت و منزلت بین تمامی انسان‌ها و نهایتاً حفظ کرامت ذاتی آن‌ها همراه شود.

نتایج

باتوجه به آن‌چه تحلیل و نقد شد، صرف ورود شهروندان به قرارداد اجتماعی را نمی‌توان دلیلی بر تضمین رعایت حقوق و آزادی‌های ایشان از سوی دولت دانست؛ چون انتخاب محتوایی که متضمن آن حقوق و آزادی‌ها باشد، از سوی شهروندان ناگزیر است، در غیر این صورت، هر آن با تضييع آن‌ها از سوی طبقه ممتاز جامعه (صاحبان منافع) مواجه خواهیم شد که در «بازی مرکب» در قالب نظام سرمایه‌داری به تصویر کشیده شده و هشدار بر تداوم برتری‌طلبی تاریخی طبقات ممتاز است و در نهایت تحمیل محتوای قرارداد اجتماعی بر اساس منافع آن طبقات.

از منظر هستی‌شناسی باید گفت که رویکرد جاری در بازی مرکب، دارای ضمانت اجرایی است؛ چون از دو جهت جذاب است: برای بازیکنان (شهروندان امضاکننده قرارداد اجتماعی) امکان برنده شدن و انگیزه کافی برای بهره‌مندی از مواهب مادی رقابت با دیگر بازیکنان -هرچند غیراخلاقی- وجود دارد و برای طبقه ممتاز، امکان سرگرم شدن از طریق به حرکت درآوردن جریان سرمایه در قالب برگزاری رویداد (بازی و قمار) وجود دارد.

فرایند نام‌برده به صورت کاملاً واقع‌بینانه و نه اخلاق‌گرایانه و یا عدالت‌محور به خوبی قابلیت اجرا دارد و همان‌طور که در بازی مرکب می‌بینیم، گروه‌های مختلفی در گذشته و آینده در آن شرکت کرده و یا خواهند کرد؛ اما چنان‌چه فرایند انعقاد قرارداد اجتماعی را بر اساس الگوی پیشنهادی نگارندگان جایگزین کنیم، مشخص نیست که نتیجه دارای جذابیت‌های لازم (انگیزه کافی برای به میدان آوردن طرفین بازی) خواهد بود یا خیر؟ چنان‌چه پاسخ سؤال پیشین مثبت است، آن‌گاه سازوکار نام‌برده چگونه تعریف می‌شود؟

در مقایسه با رویکرد جاری در بازی مرکب که نقاط ضعف متعدد آن در مورد قرارداد اجتماعی به لحاظ محتوایی بیان شد، در رویکرد پیشنهادی، نقاط ضعف نام برده بر اثر تغییر محتوای قرارداد اجتماعی مرتفع می‌شود. به عنوان نمونه، درباره معنای حذف، پیش از شروع بازی شفاف‌سازی خواهد شد و یا برابری در تصمیم‌گیری بین بازیکنان و طبقه ممتاز تضمین می‌گردد.

اما مسئله دیگر، ابهام در مورد ماهیت مجری بازی است؛ چون مانند بازی مرکب، ماهیت متمرکز (طبقه ممتاز) نخواهد داشت، بلکه ماهیت غیرمتمرکز خواهد داشت و این شکل از اجرا نیاز به مدیریت توزیع شده خواهد داشت که طراحی آن خود چالشی جدید و عمل‌گرایانه در مقابل رویکرد نظری پیشنهادی خواهد بود که خود می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.

منابع

۱. آقامحمد آقایی، احسان (۱۳۹۲)، نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، تهران: شهر دانش.
۲. آقامحمد آقایی، احسان و خالق‌پرست (۱۴۰۰)، حسین، مقدمه‌ای بر حقوق تأمین اجتماعی (مبانی و سیاست‌های رفاه اجتماعی: از دولت رفاه و به دوران پسا رفاه)، تهران: دادگستر.
۳. برن، اریک (۱۳۷۳)، بازی‌ها (روان‌شناسی روابط انسانی)، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: البرز.
۴. بیکس، برایان (۱۳۸۹)، فرهنگ نظریه حقوقی، ترجمه محمد راسخ، تهران: نی.
۵. توحید فام، محمد (۱۳۸۱)، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران: روزنه.
۶. جاوید، محمدجواد (۱۳۹۲)، نقد مبانی فلسفی حقوق بشر، ج اول (فلسفه طبیعی حقوق بشر)، تهران: مخاطب.
۷. راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: سمت.
۸. روسو، ژان ژاک (۱۳۸۵)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: آگاه.
۹. رحمت‌الهی، حسین و آقامحمد آقایی، احسان (۱۳۹۹)، نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی، تهران: سهامی انتشار.
۱۰. لاگالین، مارتین (۱۳۸۸)، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، تهران: نی.
۱۱. موحد، محمدعلی (۱۳۹۷)، مختصر حقوق مدنی، تهران: کارنامه.
۱۲. وینر، فلیپ. پی (۱۳۸۵)، فرهنگ اندیشه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نی.
۱۳. هابز، توماس، لویاتان (۱۳۸۵)، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
۱۴. هراری، یوال نوح (۱۳۹۸)، پول (تاریخ مختصر)، ترجمه مهدی نمازیان، تهران: نون.
۱۵. — (۱۳۹۷)، بیست‌ویک درس برای قرن ۲۱، ترجمه سودابه قمصری، کرمان: مانوش؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

1. m.imdb.com.

2. www.netflix.com.

پی‌نوشت

۱. Game theory؛ لازم به توضیح است هر بازی از سه بخش تشکیل شده: بازیکن‌ها (تصمیم‌گیرندگان) کنش‌ها (اقدامات بازیکنان) و ترجیحات که طی آن نتیجه مشخصی برای مجموعه اقدامات و تصمیمات بازیکنان وجود دارد. پیروزی در هر بازی صرفاً تابع شانس نیست؛ بلکه اصول و قوانین ویژه خود را دارد و هر بازیکن طی بازی سعی می‌کند با به‌کارگیری آن‌ها، خود را به برد نزدیک کند. نظریه بازی که شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی است، براساس مدل‌های ریاضی به تحلیل روش‌های همکاری یا رقابت موجودات منطقی و هوشمند می‌پردازد

۲. *Squid Game*؛ بازی مرکب: مجموعه نمایشی ساخته گُره جنوبی است که توسط هوانگ دونگ-هیوک کارگردانی گردید.

3. Television series.
4. Drama.
5. Genre.
6. Survival film.

۷. *Netflix*؛ یکی از بسترهای برخط شبکه نمایش خانگی در ایالات متحده امریکا است که مقر اصلی آن در لس‌گاتوس-کالیفرنیا است. نتفلیکس در سال ۱۹۹۷ توسط رید هستینگز و مارک راندولف در اسکاتس ولی - کالیفرنیا تأسیس شد. کارویژه اصلی این شرکت پخش فیلم‌ها و آثار سینمایی به صورت برخط است. مشترکان این شبکه در ژانویه ۲۰۲۱ به ۲۰۳٫۷ میلیون مشترک در سراسر دنیا رسید.

8. m.imdb.com.
9. Capitalism.

۱۰. سرمایه‌داری به شکل یک نظریه درباره نحوه عملکرد اقتصاد آغاز شد. این نظریه هم توصیفی (descriptive) و هم تجویزی (prescriptive) است. سرمایه‌داری کارکرد پول را تشریح می‌کند و این نظریه را که سرمایه‌گذاری مجدد در تولید موجب رشد سریع اقتصادی می‌شود ترویج می‌دهد. اما تدریجاً به چیزی بیش از یک دکترین اقتصادی تبدیل شد. اکنون سرمایه‌داری شامل یک سری اصول اخلاقی است، مجموعه‌ای از تعالیم درباره این‌که مردم چگونه باید رفتار کنند، چه طور فرزندان‌شان تعلیم و تربیت دهند و حتی چگونه فکر کنند. وجه تسمیه سرمایه‌داری در همین تعریف نهفته است. چون سرمایه (capital) را از ثروت (wealth) متمایز می‌کند، سرمایه شامل پول، کالا و منابعی می‌شود که در جهت تولید صرف می‌شود؛ اما ثروت در زمین دفن می‌شود و یا در فعالیت‌های بی‌ثمر به هدر می‌رود.

11. www.netflix.com.
12. Game of chance (gambling).

۱۳. طی قرون ۱۹ و ۲۰، متفکران مسیحی و هندو و یهودی و مسلمان و حتی ماتریالیست‌های مدرن، سرمایه‌داری بی‌رحم و زیاده‌طلبی دولت بوروکراتیک را سرزنش می‌کردند. آن‌ها قول دادند که اگر به خودشان فرصت داده شود، همه نقایص مدرنیته را برطرف و نظام اقتصادی اجتماعی کاملاً متفاوتی براساس ارزش‌های معنوی ابدی کیش خود ایجاد کنند. به روایت تاریخ، فرصت‌هایی به آن‌ها داده شده و تنها تغییر قابل توجهی که آن‌ها در ساختار اقتصاد

مدرن ایجاد کردند، رنگ کردن دوباره سرمایه‌داری و قراردادان یک صلیب، ستاره داوود، یک هلال بزرگ بالای پشت‌بام بود.

14. Supply and demand.

15. Online Film platforms (Virtual Cinema platform).

16. Mass production.

17. Utility.

۱۸. در توضیح باید گفت که سود به‌عنوان واحدی عام برای ارزشمندی، ترجیح یا مطلوبیت برای بازیگران با ملاک حداکثر رسانیدن سود و لذت و کاستن از رنج و نارضایتی است.

۱۹. انگاره قرارداد اجتماعی گرچه در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی قدرتمند و پرتأثیر می‌نماید و دامنه آن تا قرون بعدی و زمان معاصر ادامه می‌یابد، خاستگاه و پیشینه آن به دوران یونان باستان می‌رسد. این اصطلاح به یک فعل اشاره دارد که همان فعل تأسیس یک شکل سامان اجتماعی مورد توافق جمعی است و حاصل امری فرضی است که اندیشمندان متعددی بدان پرداخته‌اند.

۲۰. به‌دنبال فروپاشی بنیان اعتقادی سیاست کلیسایی، هم‌چنین در پی تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، مسئله مشارکت مردم و توجه به جامعه مدنی، به ادبیات سیاسی مدرن راه یافت. از این‌رو برپایه آموزه‌های روشنگری و اندیشه دولت نوین، مشارکت به معنای درگیر شدن فرد در سرنوشت خود به کار رفت و با نظریه اجتماعی شدن سیاست یا نظریه قرارداد اجتماعی، پیوند یافت.

21. Human dignity.

۲۲. کرامت ذاتی هر انسانی به‌صرف انسان بودن آن حقی طبیعی است و ریشه در شرافت ذاتی آدمیان دارد؛ بنابراین بنیان آن در پرتو مؤلفه‌هایی چون اختیار، مطالبه و مصونیت شهروندان در برابر آسیب‌ها در تعیین سرنوشت خود تحلیل می‌شود.

۲۳. Social contract؛ قرارداد اجتماعی (قرارداد سیاسی) نظریه‌ای برآمده از عصر روشنگری که در پی یافتن پاسخی جهت مشروعیت تسلط حکومت است، توماس هابز و جان لاک و ژان ژاک روسو نظریه‌هایی پیرامون آن داشته‌اند.

24. Public law Values

۲۵. مراد ناسازگاری با چهار ارزش بنیادین شامل: (حق، آزادی، برابری و عدالت) است که به‌عنوان بنیادهای رابطه فرد و حکومت مطرح می‌شوند.

26. Subject.

۲۷. اشاره تلویحی به فیلم عصر جدید (Modern Times) محصول ۱۹۳۶ آمریکا که چارلی چاپلین در

نقش کارگر کارخانه وارد چرخ‌دنده‌های نظام سرمایه‌داری شده و بارها در بین این چرخ‌دنده‌ها می‌چرخد و

28. Project.

۲۹. اشاره تلویحی به نمایشنامه دکتر فاستوس ((The Tragical History of the Life and Death of Doctor Faustus اثر کریستوفر مارلو - سده شانزدهم انگلستان که در آن فاستوس دانشمندی است که روح خود را به شیطان فروخت تا بر عالم مادی تسلط یابد.

30. Autonomy.

31. Private law.

۳۲. در حقوق مدنی، اکراه عبارت است از جبر مادی یا معنوی برای این‌که شخصی را به کاری وادارند. اکراه دارای سه شرط است: اول آن‌که نوعاً در هر شخص باشعوری مؤثر باشد؛ دوم: در شخص معامله‌کننده مؤثر باشد و سوم: از طریق وسایل غیرقانونی صورت گرفته باشد. اما اضطراب متفاوت است و مضطر معامله را برخلاف علاقه باطنی خود انجام می‌دهد، لیکن جهتی که او را وادار به معامله می‌کند، متناسب به طرف معامله نیست و نتیجه اوضاع و احوالی است که برایش دست داده است. همین تفاوت باعث می‌شود که اکراه موجب عدم نفوذ معامله باشد؛ لکن اضطراب این‌گونه نیست و موجب عدم نفوذ نیست.

33. Thomas Hobbes(15881679)-.

34. Leviathan.

۳۵. هابز شاید نخستین اندیشمند دوران مدرن باشد که گذار بشر از وضع طبیعی به وضع اجتماعی را بر مبنای قرارداد توصیف نموده است. هابز در سومین اثر فلسفه سیاسی خود، در فصل پنجم اثر مهم و کلاسیک لویاتان، به روشی هندسی و با بهره‌گیری از اصطلاحات مکانیکی، به تفصیل تمام درباره طبیعت بشر بحث می‌کند و در پی نشان دادن آن است که اگر انسان‌ها در کنار هم باشند، اما حاکم و فرمانروایی در کار نباشد، آن‌ها این موقعیت را که موافق طبیعت‌شان است رها کرده و خود به تأسیس حکومتی تازه مشغول می‌شوند. هابز وضع طبیعی را جنگ همه علیه همه می‌داند که در آخر کار، هیچ‌چیز عادلانه در آن نمی‌تواند وجود داشته باشد و حق و ناحق و عدالت و بی‌عدالتی، بی‌معناست.

36. Civil law (civil code).

۳۷. عقد پیمانی مبنی بر این‌که آدمی از خود در مقابل عمل قهرآمیز با عمل مشابهی دفاع نکند همواره باطل است. زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند حق استخلاص خود از خطر مرگ و جرح و حبس را واگذار کند و یا از آن چشم‌پوشد. زیرا انسان طبعاً شرک‌کوچک‌تر و کمتر را برمی‌گزیند که همان خطر مرگ در هنگام مقاومت است؛ و نه شر بزرگ‌تر را که مرگ قطعی و فوری در نتیجه عدم

مقاومت باشد. در عالم واقع نیز تبه‌کاران را به پای چوبه دار یا زندان می‌فرستند، هرچند که چنین تبه‌کارانی، به قانونی که آن‌ها را محکوم کرده، از روی رضایت تن در داده باشند.

38. Elite

39. Oligarchy.

40. John Lock(16321704-).

۴۱. لاک برخلاف هابز، وضعیت طبیعی را حالتی آرمانی می‌داند که آدمی از طریق عقل دست به شناخت قانون طبیعی می‌زند و زندگی خویش را براساس آن پی می‌ریزد و سامان می‌دهد.

42. Jean - Jacques Rousseau (1712 -1778).

۴۳. روسو بر تکیه بر مفهوم اراده همگانی به تکمیل نظریه قرارداد اجتماعی لاک پرداخت و در این مسیر، تفسیر بهتری از نظریه قرارداد اجتماعی ارائه داد.

۴۴. Original Position؛ مفهومی در اخلاق، فلسفه سیاسی که در آن حقوقی وجود ندارد، صرفاً اشخاص آزاد هستند و یا انعقاد قرارداد اجتماعی، حقوق و تعهدات ایجاد می‌شود که از آن با عنوان وضع مدنی یاد می‌شود.

45. Latin: Homos hominus lupus (man is a wolf to man).

۴۶. گذار از حالت طبیعی به حالت مدنی موجب شد در انسان تغییرات عمده‌ای رخ دهد: عدالت جای غریزه را بگیرد، اعمالی انسانی در چهارچوب قواعد اخلاقی‌ای قرار گیرد که در گذشته وجود نداشت، تنها در چنین حالتی است که صدای وظیفه جانشین ندای کشش‌های جسمانی و حق جانشین هوای نفسانی می‌شود. انسان که تا آن زمان فقط به فکر خویش بود، ناگزیر می‌شود طبق اصول دیگری رفتار کند و پیش از گوش دادن به ندای شهوات نفسانی خود، با عقل خویش به مشورت بنشیند.

47. tragic.

۴۸. The Law of the Jungle؛ اصطلاح گسترده به معنای: بگش یا گشته شو.

۴۹. Legal formalism؛ نگاهی براساس توجیه‌پذیری حقوق و قانون و حقوق را صرفاً مجموعه‌ای از هنجارها و نرم‌ها ارزیابی نمی‌کند؛ بلکه معتقد است حقوق در کنار هنجارهای دیگر می‌تواند به یک نظم اجتماعی خاص دست پیدا کند.

۵۰. Tranny of the majority؛ اصطلاحی برای تعریف حکومت‌هایی که اکثریت دست‌کم بخشی از آزادی اقلیت را محدود می‌سازد.

51. Idealism.

52. Lampoon, Satire.

۵۳. به اعتقاد نگارندگان متن حاضر، درواقع تمامی ظرفیت‌های لیبرالیسم به نفع کاپیتالیسم

مصادره شده است و در نتیجه در جهان امروز با هیولای عظیم نابرابری‌های اجتماعی و شکاف‌های غیرقابل جبران طبقاتی مواجه هستیم.

54. Amoral.

55. immoral.

۵۶. ارزش‌های اخلاقی قطعاً بی‌ارتباط با سیاست نیستند، لکن آمرانه نیز محسوب نمی‌شوند. انسان گرچه حیوانی ارزش دوست است، ولی در عین حال در دنیایی زندگی می‌کند که پراز نقش‌های گوناگون اخلاقی است و ناگزیری تصادم این نقش‌ها با یکدیگر است که موجب بروز امر سیاسی می‌شود.

۵۷. گفتنی است که در مورد رفتارها و انتخاب‌های نهایی برنده «بازی مرکب»، ملاحظات روان‌شناختی ظریفی نیز مطرح است که از حوزه تخصص نگارندگان و حوصله متن حاضر خارج است و می‌بایست توسط متخصصان حوزه روان انسان مورد نقد و نظر قرار گیرد.

58. Human security.

59. Public health.

60. Public education.

61. Social security.

62. Democracy.

63. Human rights.

64. life style.

65. Samuel von Pufendorf (1632-1694).

66. Rule by law.

۶۷. Rule of law؛ قاعده‌ای در حقوق عمومی که براساس آن تصمیمات حکومتی براساس اصول شناخته شده حقوقی گرفته می‌شود و درواقع قانون ابزاری برای کنترل حکومت است.

۶۸. Win - win game؛ سود مشترک به نفع طرفین بازی.

69. Ontology.

70. Event.

71. Paradigm.

72. Centralized.

73. Decentralized.

74. Distributed administration

۷۵. گفتنی است که تنها الگویی که بشر تاکنون در مورد مدیریت توزیع شده به صورت عملی بدان

دست یافته، فناوری زنجیره بلوکی (blockchain) است که نمود آن را در حوزه مالی در قالب ارزهای دیجیتال مانند بیت‌کوین شاهد هستیم.

76. Practical.

77. Theoretical.